

Journal iranian political sociology

Vol. 4, No.4, winter2022

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.314550.2616>

**Substantive rights governing social justice in substantive law and the Civil and
Political Rights Convention**

Abstract

One of the issues in law is the issue of social justice. One of the important components of social justice is freedom. Freedom is one of the concepts that in order to understand it, in the beginning, one must understand the opposite concept in order to understand the scope of this concept. When we say freedom, if we do not understand any of the concepts that are placed in front of it, we cannot get the truth and scope of this concept. First we have to consider being bound to a bond, then we have to define the boundaries of that bond, then we imagine the liberation from that bond and put the name of freedom on it, being bound to live in a place, as opposed to freedom and liberation from this bondage is the relative freedom it faces. Being limited in speech or in action or in thought is against freedom, and being free from limitations is freedom. This article examines the components of social justice in the field of freedom.

Keywords: justice, freedom, law, social justice, right

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.314550.2616>

حقوق ماهوی ناظر بر عدالت اجتماعی در حقوق موضوعه و کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی

حسن حسن زاده^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۰

علی میر ابراهیمی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۵

علی چهکندی نژاد^۳

چکیده

یکی از بحث‌های مهم در حقوق بحث عدالت اجتماعی است و یکی از مولفه‌های مهم عدالت اجتماعی آزادی است. آزادی از مفاهیمی است که برای شناخت آن، در آغاز، باید مفهوم مقابل آن را درک کرد تا بتوان گستره‌ی این مفهوم را دریافت نمود. زمانی که می‌گوییم آزادی، اگر هیچ کدام از مفاهیمی که در برابر آن قرار گرفته‌اند را درک نکنیم، نمی‌توانیم حقیقت و گستره این مفهوم را نیز دریافت کنیم. در آغاز باید مقید بودن به یک قیدی را در نظر بگیریم، سپس حدود و مرزهای آن قید را مشخص نماییم، آنگاه رهایی از آن قید را تصور نماییم و نام آزادی را بر آن قرار بدهیم، مقید بودن به سکونت در یک محل، خلاف آزادی است و رهایی از این قید، آزادی نسبی است که در برابر آن قرار گرفته‌است. محدود بودن در گفتار و یا در کردار و یا در اندیشه، خلاف آزادی است و رها بودن از محدودیت‌ها، آزادی است. در این مقاله با روش تفسیری-کیفی و با مطالعه کتابخانه‌ای- اسنادی به بررسی مولفه‌های عدالت اجتماعی در حوزه آزادی پرداخته شده‌است.

کلیدواژه‌ها: عدالت، آزادی، حقوق، عدالت اجتماعی، حق

^۱ دانشجوی دکترا، گروه فقه مبانی حقوق، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، خراسان جنوبی، ایران

hasan.hasanzadeh2021@gmail.com

^۲ استادیار، گروه فقه مبانی حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، گیلان، ایران (نویسنده مسئول) mirebali@yahoo.com^۳ استادیار، گروه فقه مبانی حقوق، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، خراسان جنوبی، ایران Chahkandi@iaubir.ac.ir

اگر در میان ارزش‌های اجتماعی مورد قبول همگان والاترین ارزش‌ها را «آزادی»، «برابری» و «عدالت» بدانیم، مقایسه‌ی این ارزش‌ها و انتخاب یکی از آنها به عنوان ارزش برتر از دشوارترین داوری‌هاست. ولی آنچه مسلم است، آزادی گاهی خود حصار برای آزادی می‌گردد، زیرا افرادی هستند که با استفاده از آزادی همه‌ی منافع و مزایای طبیعی و اجتماعی را به سوی خود جذب می‌کنند و آزادی را در انحصار خود درمی‌آورند. به همین جهت نیاز به برابری ضروری است، و انسان‌ها خواهان آن می‌گردند، تا از آزادی بکاهند تا بتوانند به برابری دست یابند. در نتیجه برابری بر آزادی حکومت می‌کند، نیاز به برابری نیز در واقع نیاز به عدالت است، زیرا آنجا که جای برابری و تساوی است، برابری در ذات و عمل به عدالت وجود دارد. بنابراین عدالت والاترین ارزش‌ها است. با ظهور و پیدایش اندیشه‌های جدید و تفکر نسبی‌گرایی، که بر مبنای نظریه‌ی اومانستی خود بنیادگرایانه توانست به عنوان تفکری مسلط و اندیشه‌ای حاکم جای خود را باز کند، با مبدأ قرار گرفتن انسان به عنوان خاستگاه معرفت و شناخت، از انسان موجودی ساخت که مستقل و بی‌نیاز از هر منبع و مرجع دیگری محور ارزش‌ها و نیز معیار و ملاک آن قرار گرفت. بر این اساس دیگر ارزش واقعی و مطلق جدای از ذهن انسان ارزش گذار در خارج وجود نداشت تا انسان نیاز به فهم و درک او داشته باشد تا به ناچار بخواهد خود را بر آنها تطبیق دهد. آثار ناشی از این اندیشه و تفکر توانست در تمامی حوزه‌ی رفتارهای اجتماعی از جمله رفتارهای اقتصادی نیز جاری شود، و انسان را موجود حداکثر کننده‌ی مطلوبیت، خوشی و سود معرفی کند و در نهایت مفهوم عدالت را به رفاه مادی همگانی ارجاع دهد. در این نگرش دیگر عدل و عدالت عبارت از رفتار کردن بر حسب ضوابطی مستقل از اراده‌ی بشری نیست و هیچ یک از اصول مادی عدالت دیگر اعتبار ذاتی ندارند، و لذا اصول عدالت را می‌توان به ساخت انسانی و گزینش فردی منوط کرد، در حالی که در نگرش دینی، عدالت و تمامی ابعاد آن، سرچشمه‌ی الهی دارد و در چارچوب شریعت قابل تعریف است. بنابراین در این رهیافت عدالت چهره‌ی الهی و آرمانی دارد. سؤالی که این مقاله در پی پاسخ‌گویی به آن بر خواهد آمد، هدف از انجام این پژوهش بررسی مولفه‌های عدالت اجتماعی در حوزه آزادی در حقوق موضوعه و کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی به روش تبیینی است.

رهیافت نظری

۱-عدالت

در این قسمت ابتدا به بررسی مفهوم عدالت خواهیم پرداخت.

۱-۱- مفهوم عدالت

عدالت در لغت به معنای دادکردن، دادگر بودن، انصاف داشتن، دادگری و عدالت اجتماعی عدالتی است که همه‌ی افراد جامعه از آن برخوردار باشند.

درباره‌ی مفهوم عدالت دیدگاه‌ها مختلف بوده و نظریات متفاوتی مطرح می‌گردد:

الف. عدالت همانند سایر مفاهیم اخلاقی و متافیزیکی فاقد معنا بوده و مهمل می‌باشد و تنها بیان گر احساسات انسانی است و گاهی نیز برای برانگیختن احساسات استعمال می‌شود مانند ناله و فغان انسان مصیبت دیده که فاقد

معنا بوده و احساسات انسانی را نمایش می دهد همان طور که زرد شدن چهره انسان ترس او را بیان می کند، با این تفاوت که در مفاهیم اخلاقی، قالب عرضه احساسات را خود انسان تعیین می کند و گاهی اوقات هم برای تحریک دیگران و برانگیختن آنها دست به چنین کاری می زند.

ب. عدالت لفظی است دارای معنا و مفهوم که حکایت از تمایلات و عواطف خاص می کند یعنی تناسبی در بین دسته ای از افعال با خواسته های انسان وجود دارد که موجب می شود آن افعال را عادلانه بنامیم. بر طبق این دیدگاه موضوع عدالت فعل یا اشیاء خارجی نخواهد بود بلکه موضوع آن نفس حالات و کیفیات نفسانی متکلم می باشد.

ج) عدالت یک صفت عینی خارجی است و دارای ما بازای خارجی می باشد، درحالی که ما به ازای عدالت دیدنی و شنیدنی نیست بلکه تعقل کردنی است و بواسطه عقل می توان آن را درک نمود. پس عدالت خصوصیتی را به اشیاء یا افعال نسبت می دهد که هیچ صفت دیگری نمی تواند جانشین آن شود.

د. مفهوم عدالت دارای مصداق خارجی نیست و فقط موصوف خارجی دارد؛ یعنی عقل صرف نظر از رابطه ای که اشیاء یا شخص مدرک و تمایلات او دارد به کندوکاو و مقایسه اشیاء با یکدیگر می پردازد و با توجه به این مقایسه و ارتباطی که آنها با یکدیگر دارند مفهوم عدل را بدست می آورد.

هـ. عدالت یک امر قراردادی محض است که نه مصداق عینی دارد و نه تمایل تکوینی انسان به آن تعلق می گیرد، مثل مالکیت بلکه امری است قراردادی؛ بر طبق این دیدگاه مفهوم عدالت مبتنی بر آراء عقلاء می باشد.

برتراند راسل، در تعریف عدالت این گونه می گوید: «عدالت عبارت از هر چیزی است که اکثریت مردم آن را عادلانه بدانند. یا عبارت از نظامی است که آن چه را که به تصدیق عموم، زمینه هایی برای نارضایتی مردم فراهم می کند به حداقل برساند» ارسطو معتقد است: «عدالت امری است که انسان عادل فکر می کند».

به نظر هایک^۴ هم در رفتارها و هم در ذهن انسان سلسله مراتبی از قواعد حاکم است که اساسی ترین آنها در حوزه فرآگاهی؛ یعنی در ورای توانایی ادراک ها قرار دارند. «رشد عقل انسانی جزئی از رشد تمدن است... ذهن هیچ گاه نمی تواند پیشرفت آینده خود را پیش بینی کند» لذا کلمه بنیادین اجتماع، محصول عقل رهبری کننده انسان نیست و به همین دلیل برنامه ریزی اجتماعی ممکن نخواهد بود.

۲- انواع عدالت

در این قسمت به بررسی انواع عدالت خواهیم پرداخت.

۱-۲- عدالت توزیعی

عدالت توزیعی به ادراک عدالت از تخصیص منابع مربوط می شود. این نوع عدالت بر ستاده ها (مثل افزایش حقوق)، قوانین تخصیص دهنده منابع و پایگاه اجتماعی افراد (مثل ارتقا به یک منصب اداری) تاکید دارد. عدالت توزیعی بر ادراک عادلانه بودن دریافتی های یک نفر در مبادلات اجتماعی دلالت دارد. (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۳: ۵۸)

⁴ Friedrich. A. F. Hauek

عدالت اجتماعی یکی از دلالت‌های مفهوم عدالت است که منظور از آن تخصیص «منصفانه‌ی» منابع در یک جامعه است. به این معنا قانون باید به سطح قابل قبولی از عدالت واقعی و رسمی دست یابد و باید توزیع منصفانه منابع و برابر فرصت‌ها را تضمین کند.

۳- حق

حق، واژه عربی است و جمع آن حقوق است. در لغت به معنای زیر به کار رفته است. «چیزی که ثابت است و انکار آن جایز نیست». حق. [ح ق ق] راست کردن سخن. درست کردن وعده، درست کردن و درست دانستن. یقین نمودن. ثابت شدن (محمد نژاد، ۱۳۸۶: ۱۴).

همین طور حق به معنی واجب و لازم می‌باشد چون چیزی که واجب است، ثابت می‌باشد، و به سخن راست و درست و به بهره و نصیب و عدالت و انصاف و مال و دارایی و قیامت و دست مزد حق نامند، چون هر یک از آنها در جایگاهشان ثابتند و دچار تزلزل و تغییر نیستند، برخلاف امور باطل که همواره در حال تزلزل و دگرگونی است. لذا گفته‌اند، حرف حق یکی است ولی سخن باطل متعدد و گوناگون است (عبدی، ۱۳۹۱: ۲۱).

۴- حق‌های مبین آزادی در تعهدات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران

در این قسمت به بررسی حق‌های مبین آزادی در تعهدات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت.

۴-۱- حقوق سیاسی و اجتماعی

در این قسمت به بررسی حقوق سیاسی و اجتماعی خواهیم پرداخت.

۴-۱-۱- آزادی انتخاب احزاب

حزب در سیاست سازمانی سیاسی است که به دنبال تأثیرگذاری در حکومت است، این تأثیرگذاری معمولاً از طریق نامزد کردن کسانی با دیدگاه‌هایی همسو با حزب برای کسب مسئولیت‌ها و مناصب سیاسی صورت می‌پذیرد. احزاب در فعالیت‌هایی نظیر کارزارهای انتخاباتی، پژوهش‌های آموزشی یا اعتراض‌های سیاسی مشارکت می‌جویند. احزاب معمولاً به دنبال به کار بستن ایدئولوژی خاص یا دیدگاهی مشخص هستند که با اهدافی معین در ساختار و برنامه‌هایشان ذکر شده‌است و باعث پدیدآیی افرادی با اهداف یکسان حول محور حزب می‌شود.

۴-۱-۲- آزادی تجمعات

طبق اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اجتماعات و راهپیمایی‌های بدون سلاح به شرط آنکه مخل مبانی اسلام نباشد آزاد است اما شاهد هستیم که دستگاه‌های امنیتی و نظارتی در ایران تقریباً با هرگونه تجمع اعتراضی، مخالفت می‌کنند. دلیل این امر چه می‌تواند باشد و آیا چنین ممانعتی، فراقانونی یا غیرقانونی است؟

اصل ۲۷ قانون اساسی ایران یکی از اصول حقوق بشر محسوب می‌شود که بسیاری از حقوق‌دانان معتقدند تا حدی شبیه ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر است. ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر عنوان می‌کند: «هر شخص حق دارد از آزادی تشکیل اجتماعات، مجامع و انجمن‌های مسالمت‌آمیز بهره‌مند شود و هیچکس را نباید به شرکت در هیچ اجتماعی مجبور کرد».

بزرگ‌ترین تفاوت این اصل با ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر محدود کردن آن به عدم حمل سلاح و اخلال مبانی اسلام است. شاید بتوان گفت محدودیت حمل سلاح توسط افراد به دلیل امنیت اجتماعی شهروندان در نظر گرفته شده و تناقضی با حقوق شهروندی ندارد اما عنوان کردن عبارت «عدم اخلال در مبانی اسلام» مفهوم بسیار وسیعی دارد و دقیقاً به همین دلیل است که دولت جمهوری اسلامی از همین تفسیر موسع سوءاستفاده کرده و با تشکیل هر گونه تجمع برخورد قهری می‌کند.

از سوی دیگر شاهد هستیم که دولت، با بسیاری از تجمعات دیگر نیز مانند تجمعات کارگری و یا معلمان نیز برخورد قهری داشته و مانع ایجاد آن‌ها می‌شود و این در حالی است که تجمعات معلمان و کارگران مبانی اسلام را مختل نمی‌کند و حمل سلاحی هم در کار نیست. این‌جاست که مستمسک برخورد دولت را باید در قوانین دیگر جست‌وجو کرد.

تبصره دو از ماده شش قانون تشکیل احزاب مصوب سال ۱۳۶۰ عنوان می‌کند: «برگزاری راهپیمایی‌ها با اطلاع وزارت کشور بدون حمل سلاح در صورتی که به تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ مملکتی مبانی اسلام نباشد و نیز تشکیل اجتماعات در میادین و پارک‌های عمومی با کسب مجوز از وزارت کشور آزاد است.»

کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب شامل نماینده دادستان کل کشور، نماینده شورای عالی قضایی، نماینده وزارت کشور و دو نماینده به انتخاب مجلس شورای اسلامی است. به نظر می‌رسد منوط کردن مجوز تجمعات به نظر مثبت این کمیته و سوءاستفاده از تفسیر موسع اصل ۲۷ قانون اساسی، مهم‌ترین دلایل برخورد قهری دولت با برگزاری هرگونه تجمع در جامعه است.

۴-۱-۳- آزادی مذهب

آزادی ادیان حق ذاتی هر فرد است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر گرامی داشته شده است. آزادی ادیان عبارت است از آزادی یک فرد یا گروه برای ابراز کردن، عمل، رعایت و پرستش دین و باورهای خود در خلوت یا در سطح اجتماع. همچنین این آزادی شامل قدرت تغییر دین خود یا اختیار داشتن در پیروی نکردن هیچ آیینی نیز هست. آزادی ادیان توسط بسیاری از دولت‌ها و افراد به عنوان یکی از حقوق بشر بنیادی شناخته می‌شود.

بسیاری از محققین، هند را به عنوان بهترین نمونه کنونی آزادی ادیان معرفی می‌کنند. آزادی انجام اعمال دینی، ترویج و سخنرانی همه مذاهب از حقوق اساسی نوشته شده در قانون اساسی هند می‌باشد (بابایی مهر، ۱۳۹۳: ۱۴).

بند ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر این نکته تأکید می‌کند که سلب کردن حق انسان‌ها برای انجام اعمال دینی خود، بی‌عدالتی محسوب می‌شود.

۴-۱-۴- حقوق مبین آزادی سیاسی در میثاق حقوق مدنی و سیاسی

تشکیل احزاب سیاسی نقش عمده و اساسی را در بازی‌های سیاسی دارد، تا کنون آنچه در جهان تجربه شده است احزابی بوده که عمدتاً مردان با توجه به پایگاه سنتی چند هزار ساله‌ی خود در عرصه‌ی سیاست، در آن نقش عمده داشته‌اند و با توجه به نقش سنتی خانواده‌ها، زنان کم‌تر از سواد و تجربه لازم سیاسی برخوردار شده‌اند، بدین سبب نقش زنان در احزاب سیاسی مشهور دنیا کم‌تر از سهم آماری آنان است، هرچند که فمینیست‌ها نگاه بسیار بدبینانه

نسبت به سیاست دارند اما سخنان آنان زیاد از واقعیت‌ها به دور نیست: «امروزه سیاست به معنای شیوه‌های مملکت‌داری یا حکومت است، ساختارهای اقتدار و ترتیباتی که یک گروه برای کنترل گروه دیگر به کار می‌برد، را در بر می‌گیرد، از آن جایی که در جوامع مردسالار، تمامی نهادهای قدرت و صنعت و علم و مناصب سیاسی و ارتش، در اختیار مردان است، مناسبات میان زنان و مردان نیز، نظیر مناسبات میان نژادها و طبقات، بر پایه‌ی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری شکل می‌گیرد و جنبه‌ی سیاسی دارد، یعنی مثلاً علت تحقیر به حرمت زنان را فقط با توسل به سیاست ورزی جنسی می‌توان توضیح داد» (باقرزاده، ۱۳۸۴: ۵۷).

آنچه که در آینده می‌تواند زمینه را برای مشارکت مساوی با مردان در عرصه سیاست برای زنان هموار کند، در مرحله‌ی اول، آنان باید سهم مشخصی را در مشارکت سیاسی خواستار شوند، این سهم با توجه به میزان جمعیت زنان هم در عضویت احزاب و هم در مقامات عالی و پایین مرتبه تشکیلات و ارگان‌های دولتی و بین‌المللی در نظر گرفته شود، هرچند که این امتیازات را مردان به سادگی به زنان نخواهد بخشید و استدلال خواهند کرد که دادن چنین سهمی مشخص به زنان ممکن است، سازمان‌ها، احزاب، نهادها و ارگان‌های دولتی و بین‌المللی را تضعیف کند، زیرا بسیاری از زنان تجربه و توانایی اجرای چنین امور را ندارند. اما آغاز این حرکت زمینه‌ای خواهد شد تا زنان در روند فعالیت‌های سیاسی، ساختارمند شوند و توانایی‌ها و تجربیات لازم را در این زمینه کسب کنند. زیرا سهم ندادن به زنان به بهانه‌ی ناتوانی و عدم علاقمندی آنان در مشارکت‌های سیاسی، منافی با اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان است. مرحله‌ی دوم اقداماتی است که باید خود زنان دست به کار شوند، آنان باید احزاب زنانگی تشکیل بدهند، تشکل احزاب زنانه، هرچند که نشانه‌ی دیگر از تبعیض میان انسان به شمار می‌رود، اما از آنجایی که زنان سهم کم‌تری در مشارکت‌های سیاسی دارند، بی‌توجهی به زنان و فراهم‌نکردن مشارکت سیاسی برای آنان از ناحیه مردان، خود تبعیض مضاعف میان انسان به شمار می‌رود (ساقیان، ۱۳۸۵: ۹۷).

۴-۱-۵- حقوق مبین آزادی صلح در میثاق حقوق اقتصادی فرهنگی سیاسی ۱۹۹۶

برقراری صلح و امنیت جهانی که البته برقراری این صلح در گرو دارایی آزادی‌های اساسی افراد، از جمله آزادی‌های سیاسی آنان: آزادی مشارکت سیاسی، آزادی عقیده و بیان و... می‌باشد و ایجاد همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از اساسی‌ترین نیازها و دیرینه‌ترین آرزوهای بشر بوده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۳: ۵۸).

تاریخ اندیشه سیاسی پر از دیدگاه‌ها و نظریه‌های گوناگون و ضد و نقیض است. در عین حال، تنها برخی از آنها به شکل یک جدال تاریخی جلوه‌گر شده‌اند. این امر، در وهله نخست از آن نشأت می‌گیرد که همه نظریات سیاسی، افزون بر تبیین واقعیت، نماینده حقیقت عملی نیز به شمار می‌روند. لذا آن دسته از نظریات که آشکارا یا به طور ضمنی، رهنمودهایی عملی ارائه می‌کنند، از موقعیتی برتر برخوردار می‌گردند. اما مهم‌تر از آن، این است که از میان انبوه نظریات، تنها برخی از آنها مبنای پایه‌ی نیمی از جوامع بشری را زنان تشکیل می‌دهند که نقش آنها در استمرار بقای نسل انسان از دیرباز به مراتب مهم‌تر از مردان شناخته شده و در عصر ما همگام با مردان در امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... هم‌زیستی مسالمت‌آمیز جوامع بشری فعال هستند و سهم مؤثری در توسعه همه جانبه دارند. در سده‌های گذشته در جوامع مردسالار حقوق زنان رعایت نشده و این تضييع حقوق زن برای به دست آوردن حقوق زنان گردیده

است. حقوق و مسؤولیت‌های فردی زن مانند، حق آزادی عقیده و بیان، به معنای خاص کلمه، در برابر حقوق و مسؤولیت‌های اجتماعی و خانوادگی است. ماهیت این حقوق و آزادی‌ها، مطالبه، مصونیت و توانایی است (آشوری، ۱۳۹۶: ۴۸).

علاوه بر این که آزادی عقیده و بیان در اسناد عدیده بین‌الملل مطرح شده و از جایگاهی برخوردار است. تردیدی نیست که آزادی بیان در حقوق و قوانین اسلام پذیرفته شده است و از این لحاظ محدودیتی وجود دارد. مگر آن‌که این آزادی با سواستفاده برخی افراد سوذجو تبدیل شود.

۴-۲-حقوق قضایی

در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ ماده ۸ به «حق رجوع مؤثر به محاکم صالحه ملی»، ماده ۱۰ به «حق بر دادرسی عدالت محور» و بند ۱ ماده ۱۱ به «اصل برائت یا پیش‌فرض بی‌گناهی» اشاره داشته‌اند (گل خندان، ۱۳۸۹: ۴۹). طبق ماده ۸ این سند: «در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار بدهد و آن حقوق به وسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هرکس حق رجوع مؤثر به محاکم ملی صالحه دارد».

ماده ۱۰ هم بیان می‌دارد: «هرکس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش به وسیله دادگاهی مستقل و بی‌طرف، عدالت محور و علنی رسیدگی گردد و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزایی که به او توجه پیدا کرده باشد، اتخاذ تصمیم بنماید».

در بند ۱ ماده ۱۱ نیز اصل برائت با این بیان مورد شناسایی قرار گرفته است: «هر کس که به بزهکاری متهم شده‌باشد، بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز گردد» (امیرارجمند، ۱۳۸۶: ۱۰۲).

۴-۲-۱-حقوق قضایی مبین آزادی در کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی

ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی به حق دادرسی عادلانه و تضمینات حاکم بر آن اختصاص یافته است.

۲. هرکس که به جرم کیفری متهم می‌شود تا زمانی که مجرم بودن او طبق قانون به اثبات نرسیده است، باید بی‌گناه فرض شود.

۵- حقوق مبین آزادی منشور حقوق شهروندی

در این قسمت به بررسی حقوق سیاسی مبین آزادی در قوانین عادی در قوانین عادی خواهیم پرداخت.

۵-۱-حقوق سیاسی مبین آزادی

در اصول ۷۴، ۷۶ و ۷۷ متمم قانون اساسی مشروطه، رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی به طور علنی و با حضور هیات منصفه پیش‌بینی شده است و در واقع، اصل ۱۶۸ قانون اساسی، به نوعی برگرفته از همان اصول مقرر در متمم قانون اساسی است که به نحوی تکرار شده است. از حیث تاریخی که نگاه کنیم، نزدیک یک قرن است که موضوع جرم سیاسی در رژیم‌های مختلف ایران در تاریخ معاصر، از دوره قاجاریه تا زمان حاضر مطرح بوده است. از دوره مشروطیت که در ادبیات سیاسی و حقوقی ما وارد شده، هیچگونه تعریف مشخص و دقیقی که بشود به آن به عنوان قانون و مکانیزم حقوقی قابل استناد به آن اشاره کرد، نداشته‌ایم. البته در قوانین خاصی اشاره‌هایی به این قضیه شده که

بیشتر، اشاره به مصادیق این جرم بوده است تا تعریف و ارکان و جهات آن. به نظر بنده، نه تنها لازم است این کار انجام شود، بلکه باید گفت چرا در تمام این دوره‌ها و با وجود تفاوت ماهیت و مشخصات رژیم‌های سیاسی متفاوت و گوناگون در ایران معاصر، تکلیف این قضیه مشخص نشده است؟ و این موضوع، از این حیث، وجه مشترک همه آنها هم محسوب می‌شود. الان، در نظام تقنینی ما خلاء وجود دارد؛ چون لازم است حدود و ثغور اعمالی که قرار است جرم سیاسی شناخته شود مشخص باشد نه این که هر عملی را بتوان به جرم امنیتی یا غیرسیاسی منتسب کرد. در سال‌های اخیر دادگاه‌های رسیدگی به جرائم سیاسی بدون حضور هیات منصفه برگزار شده‌اند. همه اینها به رغم اصل ۱۶۸ قانون اساسی است که صراحتاً علنی بودن و حضور هیات منصفه در دادگاه‌های رسیدگی به جرائم سیاسی را لازم می‌داند، حتی این اصل قانون اساسی، اختیار رئیس دادگاه را برای برگزاری غیرعلنی محاکمه در جرائم عمومی که از اختیارات اوست با وضوح و قاطعیت از بین برده و به علنی بودن محاکمات سیاسی و مطبوعاتی حکم داده است (جباری، ۱۳۸۵: ۵۸).

۵-۲- حقوق قضایی مبین آزادی

در ابتدا به بررسی قانون اساسی ایران خواهیم پرداخت.

۵-۳- حق دادرسی عادلانه

اصل بی طرفی ماموران و مستخدمین عمومی، فرع بر اصل بی طرفی عقیدتی و ائدئولوژیکی در برابر افراد می باشد. منظور از بی طرفی این نمی باشد که مستخدم دارای عقیده ای نباشد بلکه منظور این می باشد که وی عقیده فردی را در وظیفه اداری و کار دخالت ندهد و یا وظیفه اداری را وسیله انتشار و ترویج عقاید خود قرار ندهد. مانند نمونه در کشور فرانسه مستخدمین مکلف هستند در محیط اداره از هرگونه تبلیغ در مورد عقاید خود جلوگیری نمایند و رعایت این تکلیف در مورد بعضی از کارمندان مثل آموزگاران و دبیران که آموزش کودکان را بر عهده دارند بیشتر است. این وظیفه را می توان در مورد سیستم قضایی به گونه اساسی تر و آشکارتر تر مطرح نمود. به این ترتیب که می توان گفت به اتهام شخص می بایست به صورت کاملاً بی طرفانه رسیدگی شود. جانب‌داری مراجع رسیدگی کننده به شکایات و اتهامات هر یک از طرفین دعوا، مانع از احقاق عدالت خواهد شد. احکام شریعت مقدس نیز در مبحث آداب قضاء به لزوم بی طرفی و برابری افراد اشاره می نماید و خروج از بی طرفی را در حکم نمی پذیرد (آشوری، ۱۳۹۴: ۴۷).

علاوه بر آن استقلال قوه قضاییه هم در ۲ بعد سازمانی و فردی حائز اهمیت می باشد. منظور از استقلال سازمانی آن می باشد که قوه قضاییه تحت تاثیر و نفوذ هیچ سازمان و حزبی دیگری قرار نداشته باشد و به طور واضح تر رعایت این اصل ریشه در قبول تفکیک قوا در ساختار اساسی یک حکومت دارد. از طرف دیگر قضات دادگستری نباید تحت تاثیر و نفوذ هیچ حزب سیاسی یا فرد دیگری قرار داشته باشند. این امر به اجرای موفق دادرسی عادلانه و بی طرفانه کمک شایانی خواهد نمود.

یکی از اساسی ترین حق ها و از اصول دادرسی عادلانه حق برخورداری از محکمه مستقل می باشد. اصل استقلال قضایی نیز امروزه در تمام سیستم های حقوقی مورد قبول واقع شده چرا که این مسئله در واقع تضمینی برای حقوق

مردم محسوب می‌گردد زیرا هنگامی که قاضی مستقل باشد در تصمیم خود نگران اعمال نفوذ های خارجی و آینده شغلی خود نمی‌باشد و مردم از دادرسی عادلانه و منصفانه بهره مند خواهند بود.

۵-۴- حق داشتن وکیل

براساس این حق که در قسمت دوم بند ۳ ماده ۱۴ میثاق، قسمت دوم بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی، قسمت سوم بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی، قسمت اول بند ۵ پاراگراف ۲ قطعنامه کمیسیون آفریقایی منعکس شده، متهم حق دارد امکانات و فرصت کافی برای مهیا کردن دفاع از خود را در اختیار داشته باشد.

این حق که از آن به عنوان ثمره اصل برائت یاد می‌شود، در آیین دادرسی اسلامی نیز نمود داشته‌است (گل‌خندان، ۱۳۸۹: ۷۳). از جمله در سیره قضایی حضرت علی (ع) آمده‌است که آن حضرت خطاب به قاضی شریح فرمودند: «برای کسی که مدعی است شهود غایبی دارد مهلتی تعیین کن، اگر آنان را حاضر کرد حق او را بگیر و اگر آنان را حاضر نکرد، علیه او حکم خواهد شد».

حق مذکور که نسبت به متهم و وکیل مدافع او در تمام مراحل رسیدگی‌ها از جمله در دادگاه و مراحل تجدیدنظرخواهی بایستی رعایت گردد، یکی از جنبه‌های مهم اصل «تساوی ابزار و امکانات» که از آن به اصل «برابری سلاح‌ها» نیز تعبیر می‌شود می‌باشد از این جهت، دفاع و تعقیب باید به شیوه‌ای صورت پذیرد تا حق طرفین دعوا در برخورداری از فرصت مساوی جهت آماده شدن و ارائه شکایت در طول فرایند رسیدگی‌ها تضمین گردد. در حقیقت، برخورداری مؤثر و مفید از سویی و رعایت عدالت و انصاف در دادرسی از سوی دیگر، ایجاب می‌کند که متهم در طول فرایند دادرسی از زمان و تسهیلات کافی برخوردار باشد تا بتواند دفاع مناسب را تدارک ببیند.

حق داشتن فرصت و تسهیلات لازم و کافی به منظور تمهید دفاع، از دو جز تشکیل شده است. نخست، اعطای فرصت و زمان کافی به متهم برای تدارک دفاع از خود و دوم، اعطای امکانات و تسهیلات کافی به متهم برای تدارک دفاع از خود، این دو جزء لازم و ملزوم یکدیگرند و در کنار هم مفید و مؤثر به حال متهم می‌باشند. به عبارتی، در اختیار داشتن فرصت و زمان کافی بدون وجود امکانات لازم و بالعکس، در اختیار داشتن امکانات کافی بدون در اختیار داشتن زمان لازم، شخص را از حق دفاع محروم می‌کند.

زمان و وقت کافی برای دفاع به مسائلی همچون نوع و ماهیت اتهام، پیچیدگی اتهام و دلایل توجه آن، شمار اتهامات وارده و اینکه آیا متهم خود شخصاً به دفاع می‌پردازد یا از طریق اعطای وکالت مبادرت به دفاع می‌نماید، بستگی دارد. از دیدگاه کمیسیون آمریکایی حقوق بشر، اعطای فرصت‌هایی نظیر ۲۴ یا ۴۸ ساعت به هیچ وجه مدت زمان مناسب تلقی نمی‌گردد. به بیانی ساده، شرایط خاص هر پرونده‌ای است که در میزان مهلت مناسب و زمان کافی تعیین‌کننده می‌باشد (فضائلی، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

مقصود از امکانات و تسهیلات کافی برای دفاع نیز، به این معنا می‌باشد که متهم یا وکیل مدافع او به اسناد، مدارک و هر آنچه که برای مهیا کردن دفاع ضروری می‌باشد دسترسی داشته باشند. این حق شامل آزادی ارتباط با وکیل نیز می‌شود، و به ویژه هنگامی که فرد در بازداشت، در انتظار محاکمه، به سر می‌برد از اهمیت بالاتری برخوردار می‌باشند. در حقیقت، حق متهم بر بهره‌مندی از امکانات و تسهیلات کافی برای دفاع در بطن خود بسیاری دیگر از اصول

دادرسی عادلانه را جای داده است. بر پایه این حق، متهم حق آگاهی از اتهام و دلایل آن، حق دسترسی به پرونده اتهامی، اسناد، مدارک و کلیه دلایل جمع‌آوری شده بر علیه وی، حق دسترسی و ارتباط آزادانه و محرمانه با وکیل و مشاور حقوقی، حق حضور مترجم، حق دسترسی به کارشناسان و گفتگو با شهود را دارا می‌باشد (رستمی، ۱۳۹۲: ۴۴).

در ماده ۶۳ منشور حقوق شهروندی^۵ که پیش از این بررسی شد حق برخورداری از فرصت و امکانات مناسب و کافی برای دفاع را نیز تحت پوشش خود قرار می‌دهد ولی علاوه بر آن در ماده ۶۷ منشور حقوق شهروندی نیز حمایت قانون‌گذار در این موضوع نمایان و مشهود است بدین شرح: ماده ۶۷- دولت با همکاری سایر قوا و مراجع حاکمیتی برای ارتقای نظام حقوقی ایران و ایجاد الگوی کارآمد، با تأکید بر رعایت حقوق دادخواهی، اقدامات لازم را معمول خواهد داشت.■

نتیجه‌گیری

در زمینه عدالت اجتماعی و عدالت در حقوق موضوعه ایران با تأکید بر تعهدات بین‌المللی ایران باید گفت که غالباً حقوق شهروندی از جمله حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اجرا می‌شود و در موارد عدم اجرا نیز ضمانت اجرای قانونی وجود دارد و با متخلفین برخورد قانونی می‌شود. بر همین اساس باید گفت که موفقیت در اجرای مقررات جدید نیازمند پاره‌ای از موانع و مشکلات است. زیرا که نخست قانون‌گذار در مورد تحولات مورد اشاره از حقوق مقایسه‌ای و دستاوردهای آن به ویژه نظام حقوقی فرانسه استفاده کرده در حالی که استفاده از مطالعات مقایسه‌ای سبب چالش‌های فراوانی می‌شود. در واقع باید گفت که آیین دادرسی کیفری ترجمان فرهنگ یک کشور است و نمی‌تواند یک نهاد خارجی را به طور کامل وارد نظام حقوقی یک کشور کرد بلکه باید به پاره‌ای از تجربه‌های سایر کشورها رجوع کرد. دوم، جامعه عمل پوشاندن به نوآوری‌های قانونی نیازمند سازوکارهایی است که نسبت به ایجاد آنها هنوز توجه کافی نشده است. تصویب بودجه مناسب در راستای تعیین وکیل رایگان برای متهمانی که توان مالی برای انتخاب وکیل ندارند، تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط و آموزش ضابطان با هدف آشنا ساختن آنها با نوآوری‌های قانون جدید شرط موفقیت نهادهای آیین دادرسی کیفری است. از منظر قضایی نیز قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ بدون تردید گام‌های مهمی را در راستای حقوق و آزادی‌های فردی و کرامت انسانی به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی برداشته است و این تحولات چیزی جز رعایت موازین حقوق بشری مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی نیست که به موجب آن کنشگران فرایند کیفری به رعایت اصول دادرسی منصفانه و تامین حقوق دفاعی متهمان مکلف شده‌اند و در واقع نگرانی رعایت کرامت انسانی شهروندان در مراحل مختلف فرایند دادرسی کیفری به ویژه تحقیقات مقدماتی موجب تصویب این قانون شده است.

۵. ماده ۶۳- حق شهروندان است که از تمامی حقوق دادخواهی خود از جمله اطلاع از نوع و علت اتهام و مستندات قانونی آن و انتخاب وکیل آگاهی داشته باشند و از فرصت مناسب برای ارائه شکایت یا دفاعیات خود، ثبت دقیق مطالب ارائه‌شده در همه مراحل دادرسی، نگهداری در بازداشتگاه‌ها یا زندان‌های قانونی و اطلاع خانواده از بازداشت بهره‌مند شوند.

اما برخی از مقررات حقوق داخلی ایران نه تنها در راستای تامین منظور میثاق نیست که در جهت خلاف آن با آن در تضاد است دولت ایران به خاطر تعهدی که نسبت به اجرای این میثاق دارد ناگزیر به خروج از این تضاد است. در برخورد با این مشکل سه راه به ذهن خطور می کند؛ اول؛ آنکه با همین وضعیت فعلی به سمت آینده به پیش برود. دو؛ آن که دست از قوانین و مقررات مخالف خود بردارد و با تغییر و اصلاح آنها، آنها را با مقررات میثاق هماهنگ سازد. سوم؛ آنکه از میثاق خارج شود.

- ۱) امیرارجمند، اردشیر؛ «مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، اسناد جهانی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶
- ۲) آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۴
- ۳) آشوری، محمد، عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۶
- ۴) بابایی مهر، علی، تقریرات آیین دادرسی کیفری، دانشگاه چالوس، ۱۳۹۳
- ۵) باقرزاده، حمید، حقوق شهروندی در حقوق کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۴
- ۶) جبباری، محمد، پایان نامه تعدیل قرارداد در حقوق ایران و فرانسه، دانشگاه زاهدان، ۱۳۸۵
- ۷) رستمی، ولی و دیگران، «دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران»، گرایش ۱۳۹۲.
- ۸) ساقیان، ملیحه، شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، فصلنامه حقوق تأمین اجتماعی، س اول، ش ۱، ۱۳۸۵
- ۹) عبدی، محمدمهدی، اصل برابری سلاحها در فرایند دادرسی (با تکیه بر حقوق فرانسه و ایران)، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶ و ۵۷، ۱۳۹۱
- ۱۰) فضائلی، مصطفی، «دادرسی عادلانه: محاکمات کیفری بین‌المللی»، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۷
- ۱۱) بشیریه، حسین، «اندیشه هایک»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۰۲ و ۱۰۴.
- ۱۲) حکیمی، محمد رضا، «حقوق و عدالت»، نقد و نظر، بهار و تابستان، ۱۳۷۶، ش ۲ و ۳، ص ۴۴.

References

- 1) Amirarajmand, Ardeshir; "Collection of International Human Rights Documents", Global Documents, Shahid Beheshti University Press, 2007
- 2) Ashouri, Mohammad, Criminal Procedure Code, Tehran, Publication. 1394
- 3) Ashouri, Mohammad, Criminal Justice (collection of articles), Tehran, Ganj-e-Danesh. 1396
- 4) Babaei Mehr, Ali, Lectures on Criminal Procedure, Chalous University, 2014
- 5) Bagherzadeh, Hamid, Citizenship Law in Criminal Law, M.Sc. Thesis, Shahid Beheshti University, Tehran, 2005
- 6) Jabbari, Mohammad, Thesis on Adding a Contract in Iranian and French Law, Zahedan University, 2006
- 7) Rostami, Vali et al., "Fair trial in specialized Iranian administrative authorities", 2013.

- 8) Saqian, Maliha, Citizenship and Participation in the Comprehensive Welfare and Social Security System, Social Security Law Quarterly, Volume 1, Issue 1, 2006
- 9) Abdi, Mohammad Mehdi, The principle of equality of arms in the judicial process (based on the laws of France and Iran), Legal Journal of Justice, Nos. 56 and 57. 2012
- 10) Fazaeli, Mostafa, "Fair Trial: International Criminal Trials", Shahr-e-Danesh Institute for Legal Studies and Research, 2008
- 11) Bashirieh, Hussein, "Hayek's Thought", Political-Economic Information, pp. 102 and 104.
- 12) Hakimi, Mohammad Reza, "Law and Justice", Critique and Opinion, Spring and Summer, 1997, pp. 2 and 3, p.44.